

سیاست‌های ۱۱ سپتامبری آمریکا

دیده‌ها و شنیده‌های یک شاهد عینی از وقایع بیست شهریور آمریکا

تلویزیونی آمریکا بودم. سه ساعت بعد از واقعه همه چیز کنترل شده بود.

به نظر من اینجا ضمن اینکه منتظر یک حادثه بودند یک سناریوی آماده هم داشتند که سه ساعت بعد به اجرا گذاشته شد. از این لحظه هیچ نوع تضادی بین مواضع اف.بی.آی، سیا، کاخ سفید، وزارت خارجه و وزارت دفاع نبود. کسی فکرنمی کرد که ابعاد قضیه تا به این حد گسترده باشد و عواملان ماجرا هم ابعاد و نتایج آن را نمی دیدند. ابعادی که بسیار خطرناک و ضدانسانی و عجیب بود.

در همان ساعت اول شبکه سی.ان.ان اعلام کرد که به آمریکا حمله هوایی شده که خبر عجیب و حیرت آوری بود. بعداً همه اخبار را سانسور کردند. شبکه تلویزیونی دیگری گفت: حادثه در اثر انفجار بمب بوده است.

گزاره ۵

عجیب این بود در کشوری که همواره هفتاد هوایمای فانتوم از حریم هوایی آن دفاع می کند. در روز واقعه فقط هفت هوایما در حال پرواز بود. به نظر می رسد عمل کنندگان اطلاعات قبلی از چنین وضعی را داشته اند.

برج پنتاگون دارای هشت واحد است که در سال ۱۹۴۸ احداث گردیده و به دلایل امنیتی و با هدف مقاومت در برابر حملات احتمالی، تغییر و تکمیل هفت واحد آن به پایان رسیده بود.

هوایمای مهاجم به واحد هشتم اصابت کرد که هنوز در حال بازسازی بود و به همین علت اگر هوایما به طبقات فوقانی اصابت می کرد اتفاقی نمی افتاد و فقط از طبقه اول امکان چنین تهاجمی وجود داشت.

هوایمای مهاجم نیز کاملاً نزدیک سطح زمین حرکت کرده و وارد پنتاگون شد و در این حمله دویست و بیست نفر از فرماندهان نیروی دریایی و همچنین هفتصدالی هشتصد نفر از

دارند. معینا این مهندس آمریکایی می گفت در آینده ایران، یمن و عمان کشورهای باثبات تری خواهند بود چرا که قبلاً بحران‌هایی را از سر گذرانده‌اند. این سه کشور از عربستان، کویت و امارات که به سبب استقرار حکومت سلطنتی و مطلقه آمادگی عبور از بحران را ندارند، امن تر خواهد بود.

باید دانست که شرکت‌های مستقر در ساختمان تجارت جهانی امارات اکثراً شرکت‌های آمریکایی هستند.

گزاره ۳

به نظر من از حدود دو سال قبل احتمال وقوع حادثه سپتامبر قابل پیش بینی بود. (البته کاری به حدت و شدت آن ندارم.) دو سال بود که آمریکا می‌خواست برای خاورمیانه مشکلاتی ایجاد کند و به نحوی آستن حوادث بود. تجربه نشان داده است که هرگاه اقتصاد آمریکا دچار رکود گردیده احزاب بزرگ در مسند قدرت جایگزین یکدیگر شدند.

به این ترتیب که هنگام رونق، قدرت در دست دموکراتها و در زمان رکود از آن جمهوری خواهان است.

زیرا که جمهوری خواهان بوی نفت و خون و اسلحه می دهند. مردم آمریکا خواهان رونق اقتصادی بودند. رونقی که نیازمند دسترسی به هفت الی هشت هزار میلیارد دلار در سال است و این پولی نیست که یکی دو کشور و یا حتی یک قاره توان تأمین آن را داشته باشد.

بنابراین باید حوادثی به وقوع بپیوندد که نفت، اسلحه و سیستم‌های الکترونیک حتماً در آن مطرح باشد. سی درصد تولید آمریکا تسلیحات نظامی است و تولید و تجارت نفت هم نقش تعیین کننده خود را دارد.

گزاره ۴

سه دقیقه بعد از وقوع حادثه یازده سپتامبر شاهد بخش مستقیم آن از شبکه‌های

تحلیل واقع بینانه وقایع نیویورک و واشنگتن نیازمند دسترسی به اخبار و اطلاعات واقعی است. متأسفانه رسانه‌های گروهی داخل و خارج ما را در جریان واقعیات آنگونه که هستند قرار نمی‌دهند و هر کدام سعی دارند داوری‌های مردم را با انبوه اطلاعات دسته بندی شده کاذب و یا بی اطلاع نگهداشتن آنان جهت دهند.

در تقابل با این امر، سعی ما بر این است که گامی در جهت دستیابی به اطلاعات واقعی برداریم، لذا بر آنیم که شرح دیده‌ها و شنیده‌های یکی از کارشناسان ایرانی فارغ التحصیل از آمریکا را برای خوانندگان عزیز درج نماییم:

گزاره ۱

اوایل سپتامبر یا دهم شهریور بود که وارد فرودگاه لوس آنجلس شدیم. برای اولین بار از من هم که کارت اقامت در آمریکا داشتم انگشت نگاری کردند. مقامات آمریکایی فرودگاه نسبت به شهروندان عربستان سعودی، لیبی و فلسطینی‌ها حساس بودند. (البته بعداً که مدارک ایرانی الاصل بودن مرا دیدند معذرت خواستند.)

انگشت نگاری از شهروندان لیبی و عراق پیش از این هم انجام می‌شد اما در مورد شهروندان حوزه خلیج فارس هرگز سابقه نداشت. اقدام به انگشت نگاری را از یک هفته قبل از اول سپتامبر شروع کرده بودند.

گزاره ۲

یک ماه قبل از وقایع سپتامبر، یک مهندس ارشد آمریکایی که در امارات کاری کرد، اظهار می‌داشت که به ما گفته شده که در حوزه خلیج فارس مخصوصاً در کشور عربستان و پاکستان ناامنی‌هایی خواهد بود و بهتر است در حول و حوش این کشورها نباشید.

این مورد برای من بسیار تعجب آور بود زیرا که عربستان از نظر آمریکایی‌ها جزیره ثبات تلقی می‌شود و با آن کشور روابط تجاری بالایی

کارگران ساختمانی که مشغول بازسازی ضلع هشتم بودند، کشته شدند.

چنانچه این حادثه پس از بازسازی روی می‌داد احتمالاً بی‌تأثیر بود.

گزارهٔ ۶

به دنبال اصابت هواپیما به اولین برج (از برجهای دوقلو) تعدادی از مردم عامی کشته شدند اما در برج دوم، گروه مدیران فیتزجرالد که بازار مالی و بورس جهان را هدایت می‌کنند جلسه داشتند. این مدیران عمدتاً آمریکایی و از متفکرین مالی جهان به حساب می‌آیند و محل جلسه آنان در طبقه هفتاد و پنجم بود که هواپیما مستقیماً وارد همان طبقه شد. این هواپیما با چنان مانور خاصی وارد آن طبقه شد که برخی معتقدند این اقدام بدون هدایت آن از راه دور امکان نداشت.

چهل و پنج دقیقه قبل از حمله به برج دوم یعنی هنگام برخورد هواپیما به برج اول، فرمان تخلیه برجها صادر شده بود. ولی این متفکرین مالی مانده بودند تا حسابها، سهام و کامپیوترها را ببندند، در واقع اطلاعات را انتقال داده و ارتباطات را قطع کنند.

این افراد هفتصد و پنجاه مدیر عالی مقام بودند که C.E.O یعنی

(CHIEF EXECUTIVE OFFICER)

نامیده می‌شوند. این شخصیتها که هم از مدیر عامل مهمترند هم از رئیس هیأت مدیره، در واقع ایدئولوگهای تئورسین‌های اصلی سیستمها هستند که کار سیاستگذاری را انجام می‌دهند. چنین مقامهایی در کشورهای غیر آمریکایی وجود ندارند. اینان شخصیتهای کاریزماتیک اقتصاد آمریکا هستند که طرح‌های اقتصادی حتی برای پنجاه سال آینده تهیه و ارائه می‌دهند. از نظر آمریکا تجارب هر کدام از این شخصیتها که کشته شدند سه میلیارد دلار ارزش داشت. این هفتصد و پنجاه نفر در خدمت شرکت فیتزجرالد بودند و روزانه از طریق اینترنت، وال استریت جورنال و داو جونز، به مراکزی که قصد خریدهای کلان داشتند ارائه طریق می‌کردند. آقای فیتزجرالد با گریه در تلویزیون اعتراف کرد بزرگترین فاجعه برای آمریکا در گذشت این هفتصد و پنجاه نفر بود.

گزارهٔ ۷

تصمیم دولت آمریکا بر این بود که طی چهل و پنج روز قضیه را جمع و جور کند ولی با روند فعلی قادر به این کار نخواهد بود زیرا یک میلیون تن ضایعات درهم ریخته و غالباً به هم جوش خورده وجود دارد.

روز اول حرارت ۱۲۰۰ درجه سانتیگرادی همه چیز حتی دندانها را ذوب کرد و هنوز کانونهایی در درون آوار هست که ۲۰۰ درجه سانتیگراد حرارت دارد و نمی‌توان به آن دست یافت. همزمان با این حادثه هفت ساختمان اطراف نیز تخریب شده‌است. پس از اصابت و حین تخریب، مگشی ایجاد شد که صدها نفر را به درون خود کشید.

گزارهٔ ۸

میلیونها دلار خرج خرید فیلم هائی کردند که توسط افراد آماتور و عادی تهیه شده بود. عده ای یهودی از دوساعت قبل دوربین‌های خود را فراز ساختمان (جان همکاش) قرار داده بودند که همگی آنان دوساعت بعد از واقعه بازداشت شدند. شب قبل، از مرکزی در اسرائیل و از طریق پست الکترونیک به چند نفر اسرائیلی که درون برجها بودند خبرهایی داده شده بود که گویا دوازده نفر در همین رابطه در اسرائیل دستگیر شدند. این خبر در مجله کریستین ساینس مانیتور درج شده بود.

گزارهٔ ۹

دو الی سه روز در شهرهای بزرگ آمریکا حکومت نظامی برقرار شد ولی با توجه به نامطلوب بودن آن حکومت نظامی را لغو کردند و فقط گارد ملی در خیابانهای لوس آنجلس و واشنگتن حضور داشت.

گزارهٔ ۱۰

تعداد هواپیماهای مهاجم دقیقاً هشت فروند بود. هواپیمای اول و دوم و سوم را که می‌دانید به کدام محل‌ها اصابت کرد.

هدایت هواپیمای دیگر بر عهده کاپیتان حسین محمودی خلبان ایرانی بود که به دست ربابندگان کشته شد. مقاومت او باعث شد هواپیما به کاخ سفید اصابت نکند و در پنسیلوانیا سقوط کرد.

کاپیتان حسین محمودی صاحب دو فرزند و

خانمش باردار شش ماهه بود. در گذشت او در آمریکا و ایران رسماً اعلام گردید در آمریکا به او و خانواده‌اش مدال شجاعت و افتخار دادند. (حدود هزار و دویست نفر از خلبانان خطوط هوایی آمریکا ایرانی هستند.)

صدای کاپیتان حسین محمودی در جعبه سیاه ضبط شده بود. خانمی که از توالی هواپیما با تلفن همراه با شوهرش تماس گرفته بود به درگیری کاپیتان با ربابندگان اشاره کرده و بعد هم گفته بود، سر کاپیتان را بریدند و در حال سقوط هستیم. این گفت و گو را دقیقاً سی.ان.ان. بخش کرد و من آن را مستقیماً شنیدم.

گزارهٔ ۱۱

محمد عطا که فرمانده عملیات بوده از دوسال پیش وارد آمریکا شده و اف.بی.ای و سیا دائماً او را تعقیب می‌کردند. وی در عرض شش ماه پانصد هزار دلار در آمریکا هزینه کرده‌است. در حالی که در آمریکا تلفن و موبایل‌های خاموش نیز کنترل می‌شود چگونه ممکن است از کارها و نقطه ضعفهای او اطلاع نداشته باشند.

گزارهٔ ۱۲

نیروی هوایی آمریکا به تصور حمله هوایی یا موشکی دستور داد پروازهای فرودگاهها قطع شود و پروازهای نزدیک مرز به کانادا یا کشورهای دیگر تغییر مسیر دهند. فرماندار لوس آنجلس هم دستور داد علاوه بر قطع پروازها، مسافرین نیز از فرودگاهها خارج شده و به شهر برگردند.

با توجه به این دستورها چهار پرواز تهاجمی دیگر انجام نشد و عاملان ماجرا ماشین‌های خود را در فرودگاه به جای گذاشتند که در یکی از این ماشین‌ها وصیت‌نامه محمد عطا به دست آمد.

گفته می‌شود این عده از آمریکا به مکزیک گریخته‌اند.

گزارهٔ ۱۳

بعید است این عملیات کار گروه غارنشینی چون بن لادن باشد. از سال ۱۹۹۶ (۱۳۷۵) به بعد در آمریکا کسی اطلاع موثقی از بن لادن ندارد.

آمریکاییها گفتند بن لادن تا سال ۱۹۹۶ با آنان ارتباط داشته و کمک مالی دریافت می کرده ولی پس از آن هر چه هست شایعات است.

گزاره ۱۴

پس از وقوع حادثه شهرداران شهرهای مهم جهان به نیویورک آمدند و در مراسم سوگواری شرکت کردند اما شهرداران تهران و اصفهان به فرستادن پیام بسنده کردند.

گزاره ۱۵

پس از اصابت هواپیما هزار و پانصد نفر در همان طبقه مورد برخورد کشته شدند. در لحظه اصابت در هر برج چهل و پنج هزار نفر حضور داشتند که با آژیر تخلیه همه نجات یافتند.

سه هزار نفر با فروکش کردن ساختمان در بیرون از آن کشته شدند. مکش ناشی از فروریزی و گردوغبار خیلی ها را از بیرون ساختمان به درون خود بلعد.

گزاره ۱۶

عامه مردم مسیحی با اسرائیل رابطه خوبی ندارند. سه ساعت بعد از واقعه یازده سپتامبر ژنرال شوارتسکف مصاحبه ای کرد که غیر از یکبار پخش نشد او در مصاحبه گفت: معادله بسیار ساده‌ای وجود دارد! یک میلیارد مسلمان در جهان هستند که اسرائیل را با جمعیت سه میلیون نفریش دوست ندارند. لذا ما را هم که دوست اسرائیل هستیم دوست ندارند.

بنابراین ما داریم امنیت ملی خود را بر سر اسرائیل به باد می دهیم (من این مصاحبه را شخصاً شنیدم) این یک واقعیت است اما بلافاصله این مصاحبه حذف شد و دیگر تکرار نشد.

گزاره ۱۷

هر روز برای چند جسدی که پیدامی شود مراسم سوگواری برگزار می گردد و خوانندگان هالیوودی مجاناً برنامه اجرایی کنند. تاکنون صدوپنجاه میلیون دلار برای بازماندگان جمع شده و علاوه بر آن سریعاً نقری سه میلیون دلار به خانواده قربانیان پرداخت شده است.

گزاره ۱۸

جمع بندی های شاهد عینی متأسفانه آمریکاشناسی تحلیلی در ایران

بازی با افغانستان جدی نیست البته تغییراتی ایجاد می شود ولی در بیست و پنج سال آینده شاهد سیاست های یازده سپتامبری آمریکا خواهیم بود.

رواج ندارد. ما فکر می کنیم در آنجا رئیس جمهوری، مجلس و وزرا تصمیم گیرنده و مجری سیاست ها هستند. در حالی که در آمریکا منافع شرکت های کلان بین المللی است که جهت و چگونگی سیاست خارجی را تعیین می نماید. مسائل خاورمیانه از لحاظ ایدئولوژیک برای این سیاست مداران مطرح نیست بلکه آنان تنها از دیدگاه منافع و سود و زیان خود به آن می نگرند، در صورتی که ما ایرانیها قضایا را بلافاصله از جنبه سیاسی و ایدئولوژیک نگاه می کنیم. دولت آمریکا هم هرگز اجازه نداده است که مردمش اطلاعات دقیقی از بافت کشور ما داشته باشند. به عنوان مثال سه میلیون و دویست هزار نفر ایرانی در آمریکا هستند که حداقل هشتصد هزار نفر از آنها تحصیلات عالی داشته و هفتاد هزار نفرشان در رشته های مختلف مدرک دکترا دارند. آمریکا به ندرت فیلمی از توانایی های دولت و حداقل مردم ایران نشان می دهد. تصور عوام در آمریکا این است که در ایران همانند عربستان و افغانستان شترسواری می کنند.

به نظر من قبل از عملیات نظامی مشخص بود که اتفاقاتی در شرف تکوین است. سناریوی قبلی آمریکا مهار مارکسیست ها توسط کمربند سبز یعنی سنت گرایان اسلامی بود. حال است گرایان اسلامی خودشان معضلی شده اند. نحوه تشکیل طالبان و حمایت آمریکا از آنها را می دانم و فکر می کنم هدف آنها در منطقه عراق، عربستان، پاکستان و همچنین مهار چین و هندوستان و دستیابی به مواد اولیه و نفت کشورها و درآمد سرشار از فروش اسلحه می باشد. غیر از عراق و عربستان، ایران هم یکی از معضلات مهم آنهاست، چرا که ایران

باشست و پنج میلیون جمعیت هر ساله بیست و پنج میلیارد دلار معاملات تجاری دارد که قابل افزایش به صدمیلیارد دلار است. پیش بینی آمریکا این است که اگر روابط اقتصادی فعالی با ایران داشته باشد سالانه می تواند تا صدمیلیارد دلار مبادلات تجاری با ایران داشته باشد. این آمارها برای آمریکا مهم است نه مسلمان، یهودی و یا مسیحی بودن ما. آژانس یهود در آمریکا شش و نیم میلیون عضو دارد که هر عضو پنج درصد در آمدش را به آژانس می دهد و این پول به اسرائیل می رود. اینها حامیان اسرائیل اند که ما آنها را صهیونیست می نامیم.

دو الی سه میلیون نفر از اعضای آژانس از شخصیت های طراز اول آمریکا هستند که نفوذ عجیبی در مراکز خبری و مالی دارند.

آژانس یهود یک جمعیت شصت میلیون نفری به عنوان طیف حمایت گر دارند (SUPPORTER) که قادر است در زمان لازم به نفع اسرائیل رأی بدهد.

سیاست های اسرائیلی برای آمریکا خیلی مهم است و فکر ایجاد تضاد بین آمریکا و اسرائیل باور سختی است. البته تضاد هست ولی اکثر سیاست های خاورمیانه ای آنها از طریق اسرائیل طراحی می شود. اگر اسرائیل حذف شود کشور آمریکا نیز به نوعی از گردونه معادلات سیاسی جهان حذف خواهد شد. بعید است که اسرائیل را بتوان بدون بی اثر کردن آمریکا از سیاستها حذف کرد. بسیاری از اعراب هم به این نتیجه رسیده اند. نمی توان گفت که شش و نیم میلیون عضو آژانس در برابر جمعیت دنیا رقمی به حساب نمی آید زیرا این عده قدرت اقتصادی آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپا را پشت سر دارند. این جمع از قبل اسرائیل منافع سرشاری در خاورمیانه دارند.

به نظر من بازی با افغانستان جدی نیست البته تغییراتی ایجاد می شود ولی در بیست و پنج سال آینده شاهد سیاست های یازده سپتامبری آمریکا خواهیم بود. فکر می کنم طی این بیست و پنج سال اقتصاد منطقه را یا تحت سلطه خود در آورند، یا به سوی خود جذب کنند.